

مدل بهسازی سرمایه اجتماعی در مرکز های آموزش مهارتی کشاورزی استان مازندران

علی اسداله پور^{۱*}، سید عبدا.. خاوری^۲

۱-استادیار آموزشی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی مازندران، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ساری، ایران
۲-دکترای مدیریت آموزش عالی، سازمان آموزش فنی و حرفه ای

چکیده

سرمایه اجتماعی، رابطه‌های اجتماعی غیررسمی است که منجر به توسعه همکاری در میان منابع انسانی می‌شود و بهسازی آن در مرکزهای آموزش مهارتی کشاورزی باعث بهبود کنش افراد، گروه‌ها و نهادهای موجود در این مرکزها برای ارتباط با بازار کار و رونق تولید و ایجاد جامعه مدنی می‌شود. هدف این تحقیق، ارائه مدل بهسازی سرمایه اجتماعی در مرکزهای آموزش مهارتی کشاورزی بود. دیدمان تحقیق کیفی و برگرفته از نظریه پایه ور بود. جامعه آماری تحقیق شامل اعضای هیئت‌علمی گروه‌های مختلف دانشکده‌های کشاورزی استان مازندران که دارای تجربه‌های آموزشی و پژوهشی در آموزش‌های مهارتی و سرمایه اجتماعی بودند و تجربه همکاری در آموزش‌های مهارتی به‌ویژه با جهاد کشاورزی و مرکزهای آموزشی و تحقیقاتی را داشتند. برای گردآوری داده‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. فرایند گردآوری داده‌ها تا دستیابی به اشباع نظری و آستانه‌ی سودمندی ادامه یافت؛ بر این مبنایا ۲۲ نفر از اعضای هیئت‌علمی در گروه‌های آموزش و ترویج (۸ نفر)، اقتصاد کشاورزی (۴ نفر)، توسعه روستایی (۴ نفر) و مدیریت کشاورزی (۶ نفر) به‌عنوان نمونه مصاحبه به عمل آمد. شیوه‌ی تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا ۱۰ و بر مبنای روش کدگذاری پیشنهادی اشتراوس و کوربین (کدگذاری باز، محوری و گزینشی) صورت‌بندی شد. برای تعیین میزان توافق و ارزیابی روایی هر شاخص از نگاه خبرگان و پیش از تدوین مدل، از دو ضریب نسبت روایی محتوایی (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که میزان محاسبه‌شده برای هر دو شاخص معرفی شده ۰/۸ بود. از مجموعه‌ی یافته‌های پژوهش مدلی شامل متغیرهای علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، هسته اصلی، راهبردها و پیامدها طراحی شد. به‌منظور توافق سنجی نظرها برای اعتبار یابی الگو، یک پرسشنامه در مقیاس ۹ گزینشی طراحی و در اختیار خبرگان قرار گرفت؛ در نتیجه مدل ارائه‌شده تا حد مطلوبی تأیید شد.

نمایه واژگان: آموزش‌های مهارتی، سرمایه اجتماعی، مدل، مرکز آموزش مهارتی، نظریه پایه ور

نویسنده مسئول: علی اسداله پور

رایانامه: a_kotena@yahoo.com

دریافت: ۹۸/۱۰/۹ پذیرش: ۹۹/۴/۲

مقدمه

در سده بیست و یکم، کشورهای در حال توسعه در صدد دست یافتن به رشد اقتصادی پایدار و پیوسته هستند، بنابراین نیروهای اقتصادی رشد قابل توجهی داشته است و در مقابل شبکه های اجتماعی به عنوان شبکه ای از ارتباطات انسانی تا حدودی کاهش یافته است. به همین جهت سیاست گذارهای اجتماعی باید بکوشند تا تعادل درستی بین اقتصاد بازار، دولت و جامعه مدنی به وجود آورند. از این رو سرمایه اجتماعی در کانون سیاست های دولت ها قرار گرفته است. صاحب نظران مفهوم سرمایه اجتماعی را ابزاری سودمند برای تحلیل سیاست ها می دانند. در واقع، استفاده از سرمایه اجتماعی با توجه به روند جهانی شدن و ناتوانی نقش دولت های ملی، به عنوان راه حلی قابل اجرا در سطح محیط های محلی برای مشکل توسعه مورد توجه سیاست گذاران و مسئولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است (صالحی عمران و همکاران، ۱۳۹۵). هر چند به نظر می رسد توجه دولت بیشتر بر اقتصاد بازار است تا ایجاد جامعه مدنی، به صورت بنیادی جامعه مدنی به عنوان نهادهایی در نظر گرفته می شود که در یک بستر اجتماعی تعدیل کننده ی رابطه ی ساختاری و آسانگر ارتباط مردم و دولت نیز هست. در واقع جامعه ی مدنی نیازمند بستری است که زمینه های فکری، اعتماد و مشارکت در آن وجود داشته باشد؛ بنابراین، هیچ جامعه ی مدنی بدون سرمایه اجتماعی نه به وجود می آید و نه حفظ و تقویت می شود. البته در کل، جامعه ی مدنی نیز موجب رشد و تقویت سرمایه های اجتماعی می شود؛ یعنی در یک چرخه متقابل این دو به بازتولید یکدیگر کمک می کنند (جلالی و نصر الهی، ۱۳۹۸).

از سرمایه اجتماعی تعریف و برداشت های گوناگونی شده است که همین گوناگونی تعریف ها سبب دشواری درک آن می شود. برخی سرمایه اجتماعی را فداکاری فردی و تلاش برای ارتقای مشارکت با دیگران می دانند (اکسی، ۲۰۰۹). سرمایه اجتماعی از دو واژه ی سرمایه و اجتماع ترکیب یافته است. واژه ی سرمایه بر این اصل تأکید دارد که سرمایه اجتماعی مانند سرمایه انسانی یا مالی مولد است. این سرمایه قادر می سازد تا از طریق منبع های تولید ارزشی به وجود آید، کاری انجام گیرد، هدفی تبیین و دنبال شود، مأموریتی انجام و نقشی در جهان ایفا شود. وجود واژه ی اجتماع تأکید بر این دارد که این منابع دارای شخصی و فردی نیستند. این منابع در شبکه رابطه ها قرار دارند؛ بنابراین برخلاف سرمایه انسانی که به مجموع شناخت ها، مهارت ها و آموزه های فرد برمی گردد. سرمایه ی اجتماعی بستگی به ارتباطات و کیفیت آن و تنوع شبکه های ارتباطی فرد با جامعه دارد (وولک، ۲۰۱۰). البته سرمایه اجتماعی می تواند در کنار سرمایه اقتصادی به شکل گیری بیشتر سرمایه های انسانی نیز کمک کند، همان گونه که سرمایه انسانی نیز تقویت کننده سرمایه اجتماعی است (شارع پور، ۱۳۸۵). به وجود آمدن سرمایه اجتماعی به نسبت دیگر سرمایه ها نیازمند زمان بیشتری است در صورتی که از دست دادن آن به سادگی صورت می گیرد به گونه ای که تخریب آن از انباشت آن ساده تر است (ویلیامز، ۲۰۰۶).

با توجه به شرایط پویای کار و اقتصاد در سده بیست و یکم، لازم است نظام آموزش های مهارتی را به عنوان نظامی چند سویه تصور کرد که بایستی نقش های مختلف را ایفا کند. برخی از این نقش ها عبارتند از: نقش اقتصادی که برای تأمین مهارت ها

و سرمایه انسانی لازم برای بازار کار کاربرد ویژه‌ای دارد؛ و نقش اجتماعی که در زمینه‌ی فراهم کردن امکان یادگیری برای همه‌ی اعضای جامعه و در همه‌ی دوران زندگی آنان است. آموزش انسان‌هایی مستقل که بتوانند مسئولیت یادگیری خویش را پذیرا باشند؛ نقش مدنی سرمایه اجتماعی که در زمینه‌ی تقویت جامعه از طریق این سرمایه است؛ و نقش فرهنگی و اجتماعی آن منجر به ترویج خلاقیت و نوآوری می‌شود (سلیمی، ۱۳۹۳). در واقع، مجموع تغییرپذیری صورت گرفته در زمینه‌ی اجتماعی-اقتصادی سبب شد تا تعریف دوباره‌ای از نقش آموزش‌های مهارتی صورت پذیرد؛ برخی از مهم‌ترین جنبه‌های این تغییرپذیری که نقش سرمایه اجتماعی را برجسته‌تر می‌سازد عبارت‌اند از تغییر الگوی کار، زندگی و خانوادگی و مشارکت افراد در اجتماع؛ تغییرپذیری‌های بنیادی در ارزش‌ها و الگوهای مشارکت اجتماعی؛ نگرانی فزاینده در زمینه‌ی چگونگی سازگاری (انطباق) ارتقای اقتصادی بانظم اجتماعی؛ افزایش نابرابری اجتماعی و اقتصادی و حذف گروه‌های محروم و آسیب‌پذیر؛ افزایش ضرورت تأمین فرصت‌های یادگیری در همه‌ی دوران زندگی برای همه‌ی شهروندان به‌عنوان یک حق اجتماعی تا بتوان عدالت آموزشی را در آن جاری و ساری کرد؛ نیاز به وجود نیروی انسانی خلاق با توانایی تولید دانش و استفاده از آن به شیوه‌ای نوآورانه (یونسکو، ۲۰۱۴)؛ از این‌رو تصور یک‌سویه که آموزش‌های مهارتی که تنها تأمین‌کننده مهارت‌های موردنیاز بازار کار و صنایع است؛ خطا خواهد بود (سلیمی، ۱۳۹۳).

دلالت‌های بنیادین فراوانی برای آموزش‌های مهارتی وجود دارد؛ از جمله توجه آموزش‌های مهارتی به افزایش سرمایه اجتماعی و شایستگی‌های مدنی. به تعبیر فوکویاما به نقل از صالحی عمران و مهر علی زاده (۱۳۸۴) نمی‌توان زندگی اقتصادی را

از فرهنگ متمایز کرد. از نظر سیوتانویچ و همکاران (۲۰۱۵)، بازار و صنعت در یک خلأ اجتماعی ایفای نقش نمی‌کند؛ بنابراین ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه تأثیر مهمی بر پیامدهای اقتصادی دارد. به همین جهت حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه، از جمله مهم‌ترین چالش‌های بخش آموزش‌های مهارتی یعنی آموزش‌هایی که مرتبط به اشتغال و اقتصاد است؛ به شمار می‌آید.

ویسه و نصر الهی (۱۳۹۴) در نتایج بررسی‌های خود نشان دادند که اعتماد فردی و نهادی، تأثیر مثبتی بر خلاقیت دانشجویان دارد. باین‌وجود، تأثیر مشارکت رسمی و اعتماد عمومی بر بروز خلاقیت معنادار نیست. گراوند و همکاران (۱۳۹۵) نیز در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که چهار مؤلفه سرمایه اجتماعی اعتماد، توانایی برقراری روابط اجتماعی غیررسمی، تنوع در معاشرت‌ها و مشارکت سیاسی، به ترتیب، بهترین پیش‌بینی‌کننده عملکرد شغلی هستند. دهقانی و فرجی (۱۳۹۶) نیز در مقاله‌ای نشان دادند؛ ارتقای تحصیلات و سرمایه انسانی بر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و فزاینده‌ای دارد و با آموزش می‌توان بسیاری از هدف‌های اجتماعی را به دست آورد که منجر به ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌شود. نتایج پژوهش سلیمی و همکاران (۱۳۹۶) مبین آن است که بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و کارآفرینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد همچنین سرمایه اجتماعی تا حدود زیادی قادر به پیش‌بینی آمادگی کارآفرینی دانشجویان خواهد بود. قدیمی (۱۳۹۶) نتایج تحقیقی با عنوان عامل‌های مؤثر بر اعتماد اجتماعی دانشجویان نشان داد مؤلفه‌هایی مانند: مشارکت، همبستگی، انومی، بیگانگی، امیدواری، خطرپذیری (ریسک)، امنیت و

چراغی و همکاران (۱۳۹۸)، در نتایج بررسی های خود نشان دادند کاهش سرمایه اجتماعی، با توان توضیح دهندگی آن بر عملکرد اقتصادی اثر معناداری داشته و هر شش متغیر اقتصادی (کارآفرینی، سطح تحصیلات، اشتغال، تولید واقعی سرانه، بهره‌وری نیروی کار و مشارکت زنان در بازار کار) تحت تأثیر دست کم یکی از آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی، غیراخلاقی، آسیب‌های حاد اجتماعی و خانوادگی قرار می‌گیرد. دلیک و همکاران (۲۰۱۷) در نتایج بررسی‌های خود نشان دادند یک نارضایتی نسبی در دامنه مشاهده‌شده سرمایه اجتماعی وجود دارد و لذا تصمیم‌گیرندگان اقتصادی و اجتماعی باید بر بهبود سرمایه اجتماعی در بوسنی و هرزگوین که دارای قابلیت مهمی در تحریک توسعه اقتصادی - اجتماعی می‌باشند تمرکز کنند؛ در این تحقیق وضعیت گروه‌ها و شبکه‌ها، اعتماد و همبستگی، اقدام جمعی و گروهی، انسجام و ظرفیت اجتماعی، اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان ابعاد کلیدی سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شد. نتایج تحقیق ووسن و همکاران (۲۰۱۵)، نشان داد که سرمایه اجتماعی، نقشی کلیدی در رفتار ریسک‌پذیری اعضای خانواده روستایی و انجام فعالیت‌های خلاقانه ایفا می‌کنند. هلیول و پاتنام (۲۰۰۷) در نتایج بررسی‌های خود نشان دادند افزایش سطوح آموزشی، میزان اعتماد را زیاد می‌کند ولی در سطح مشارکت تغییری ایجاد نمی‌کند. نری و ویلی (۲۰۰۸)، در نتایج بررسی‌های خود بیان کردند که رابطه معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی و عملکرد تحصیلی وجود ندارد. از سوی دیگر نقش ابعاد سرمایه اجتماعی در موفقیت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و کارآفرینی مورد توجه محققان بوده است. از جمله لیو و ولش (۲۰۰۵) تأثیر ابعاد ساختاری رابطه‌ای شناختی

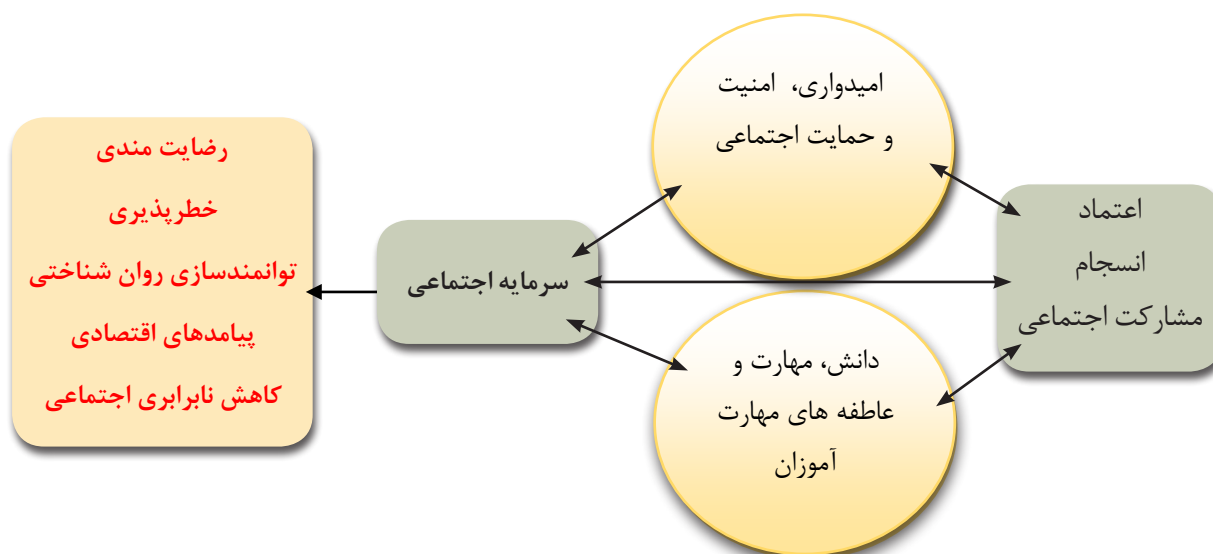
حمایت و نظم اجتماعی تا حدود زیادی اعتماد اجتماعی دانشجویی را تبیین می‌کنند. نتایج پژوهش‌های شیر اسب و همکاران (۱۳۹۷)، نشان داد، سرمایه اجتماعی بر اشتراک‌گذاری دانش بین دانشجویان کشاورزی نقش مؤثری دارد؛ بنابراین می‌بایست سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نظام آموزش کشاورزی جهت برنامه‌ریزی‌های بهتر در راستا و ارتقا کیفیت نظام آموزش کشاورزی مدنظر قرار دهند. نتایج تحقیق کاظمی و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد که سرمایه اجتماعی اثر مثبت و معنی‌داری روی توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی دارد؛ به‌طوری‌که ابعاد معرفی شده برای سرمایه اجتماعی شامل (انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی) توانسته است تا ۳۴ درصد سازه‌ی توانمندسازی روان‌شناختی را تبیین کند. رضایی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد سازمانی در سازمان جهاد کشاورزی استان البرز نشان دادند که سرمایه اجتماعی بر عملکرد سازمانی کارکنان تأثیر مثبت و معنی‌داری داشته و در مجموع ۶۴ درصد واریانس عملکرد سازمانی در سازمان جهاد کشاورزی در استان البرز توسط مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی تبیین می‌شود. نتایج پژوهش رضایی (۱۳۹۳) مبین آن است که هر یک از سازه‌های سرمایه اجتماعی شامل ساختاری، رابطه‌ای و شناختی دارای اثر مثبت و معنی‌داری بر متغیر وابسته برخوردار بودند و در مجموع ۳۹ درصد از واریانس سرمایه فکری در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی استان زنجان را تبیین کردند. پژوهش‌های انجام‌شده در بحث رابطه‌ی بین سرمایه اجتماعی با رشد و توسعه اقتصادی نیز توجه علاقه‌مندان را به خود جلب کرده است؛ برای مثال

سرمایه اجتماعی بر تصمیم به آغاز کسب‌وکارهای مخاطره‌آمیز جدید را بررسی و رابطه‌ی معنی‌داری را بین آن‌ها مشاهده کردند.

نوری و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان اثرات سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار کشاورزی در روستاهای دهستان آباد طشک نشان دادند بین ابعاد سرمایه اجتماعی با یکدیگر و توسعه پایدار کشاورزی (مدیریت موفق در بخش کشاورزی در راستای تأمین نیازهای در حال تغییر جامعه‌های انسانی با حفظ منبع‌های پایه و پرهیز از تخریب محیط‌زیست) رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج تحقیق علی بیگی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که هرچند میانگین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در حد به نسبت پایینی در بین کشاورزان است، اما همین میزان نیز رابطه مثبت و معناداری با رضایت کشاورزان از شغل کشاورزی نشان می‌دهد. بیشتر سازمان‌ها از بی‌اعتمادی، ارتباطات بسته و رسمیت بیش از حد رنج می‌برند. باید تغییرهایی در راستای اعتماد شخصی بیشتر، ارتباطات بازتر، انعطاف‌پذیری شخصی و سازمانی بیشتری ایجاد کرد؛ سازمان‌های آموزش‌های مهارتی از این قاعده مستثنا نیستند. زیرا با کمبود تعامل‌ها، ارتباطات میان فردی و گروهی، احساس هویت‌سازمانی، اعتماد پایین، کار گروهی و مشارکت ضعیف در میان آموزش‌گران (مربیان) و فراگیران روبه‌رو هستند (خاوری و طالبیان، ۱۳۹۸).

در کل می‌توان گفت سرمایه اجتماعی عبارت است از رابطه‌های اجتماعی غیررسمی که توسعه همکاری را در میان منابع انسانی که هدف آن ترفیع تولیدات اجتماعی است و انتظار می‌رود بهسازی سرمایه اجتماعی در مرکزهای آموزش مهارتی کشاورزی باعث بهبود کنش‌های افراد، گروه‌ها

و نهادهای موجود در این مراکز برای ارتباط با بازار کار و رونق تولید و ایجاد جامعه مدنی شود. همان‌گونه که در مدل نظری تحقیق در شکل ۱ نشان داده شده است؛ این مرکزها می‌توانند با سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه اجتماعی، بر دانش، مهارت و شایستگی‌های فراگیران خود و همچنین در سرمایه ساختاری خود مانند دارایی فکری، نوآوری، فرآیندها و روش‌های کاری، یادگیری سازمانی، دستگاه‌های اطلاعاتی بیافزایند و آموزش‌های مهارتی نیز به شکل‌های مختلف می‌تواند به شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی منجر شود. این در حالی است که به‌رغم تلاش‌های محققان در زمینه شناسایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در جامعه و رابطه آموزش‌های رسمی عمومی و دانشگاهی با سرمایه اجتماعی، به مدلی که برای بهسازی سرمایه اجتماعی در مرکزهای آموزش مهارتی کشاورزی بپردازد، پرداخته نشده است؛ بنابراین با توجه به ارائه آموزش‌های مهارتی کشاورزی از طریق دستگاه‌های مختلف، به‌ویژه مرکزهای تحقیقات و آموزش کشاورزی به بهره‌برداران، دانش‌آموختگان و شاغلان بخش کشاورزی، هدف اصلی این تحقیق ارائه مدل بهسازی سرمایه اجتماعی بر پایه آموزش‌های مهارتی بخش کشاورزی است.



شکل ۱- مدل نظری تحقیق

روش شناسی

که به وسیله سازمان جهاد کشاورزی و مرکزهای تحقیقات و آموزش کشاورزی داده می شود، تولید شد. از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شده است. نمونه گیری هدفمند بدان معنی است که پژوهشگر آگاهانه شرکت کنندگانی را انتخاب می کند که پیرامون پدیده اصلی مورد مطالعه یا مفهوم کلیدی مشخص شده تجربه کافی دارند. نمونه گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. در این پژوهش اشباع نظری هنگامی رخ داد که داده های بیشتری که سبب توسعه، تعدیل، بزرگ تر شدن یا اضافه شدن به مدل موجود شود، به پژوهش وارد نشده است و طبقه بندی موجود را تغییر نداده یا پیشنهادی برای ایجاد طبقه جدید ایجاد نکرده است. جامعه آماری تحقیق شامل اعضای هیئت علمی دانشکده های کشاورزی در گروه های آموزشی مختلف، استان مازندران که دارای تجربه های آموزشی و پژوهشی در آموزش های مهارتی و سرمایه اجتماعی بودند و تجربه همکاری

دیدمان مورد استفاده در این پژوهش، کیفی با رویکرد نظریه پایه و بوده؛ برای دستیابی به اطلاعات از شیوهی نظام مند استفاده شده است. در اجرای روش پژوهش کیفی به روش نظام مند، ادراک شرکت کنندگان در زمینه ها، علل، راهبردها و نقش آموزش های مهارتی کشاورزی در ارتقای سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن در بخش کشاورزی بررسی شد. در این پژوهش به جای تکیه بر داده های پراکنده و کمی، با استفاده از روش تحقیق کیفی به همراه تجربه های اعضای هیئت علمی و مجموعه ای از مصاحبه های باز و نیمه ساختارمند استفاده شده است. از دیدگاه استروبوت و کارپنتر (۱۹۹۹)؛ پژوهش کیفی، نقش مؤثرتری در روشن سازی حیطه های ابهام آمیز و ناشناخته دارد. از این رو، در این تحقیق، با استفاده از متغیرها، درون مایه ها، مقوله های استخراج شده از داده ها، مدل ارتقای سرمایه اجتماعی بر پایه ی آموزش های مهارتی کشاورزی

در آموزش‌های مهارتی به‌ویژه با جهاد کشاورزی و مرکزهای تحقیقات و آموزش کشاورزی را داشتند. نمونه آماری شامل ۲۲ نفر از اعضای هیئت‌علمی در گروه‌های آموزش و ترویج (۸ نفر)، اقتصاد کشاورزی (۴ نفر)، توسعه روستایی (۴ نفر) و مدیریت کشاورزی (۶ نفر) در مرکزهای دانشگاهی کشاورزی مازندران بوده‌اند. ابزار اصلی مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها، پرسشنامه باز-پاسخ (پروتکل) بود. پرسشنامه بر سه محور عمده متمرکز بود که عبارت‌اند از: عوامل و زمینه‌های مؤثر بر آموزش‌های مهارتی بخش کشاورزی به‌منظور بهسازی سرمایه اجتماعی، اقدام‌های کاربردی برای افزایش سرمایه اجتماعی از طریق آموزش‌های مهارتی و پیامدهای آموزش‌های مهارتی کشاورزی در ایجاد سرمایه اجتماعی؛ از هر مشارکت‌کننده افزون بر سه پرسش اصلی، پرسش‌های جانبی دیگری که به اعتبار داده‌ها کمک می‌کرد نیز پرسیده شد. طول زمان هر مصاحبه ۴۵ تا ۷۰ دقیقه بود و پاسخ‌ها با موافقت مشارکت‌کنندگان ضبط شد. برای افزایش روایی و پایایی تحقیق در مدت مصاحبه، مصاحبه‌گر درستی درک مطالب عنوان‌شده را با مصاحبه‌شونده بررسی می‌کرد، همچنین پس از پایان مصاحبه یک نسخه از متن مصاحبه در اختیار مصاحبه‌شونده قرار می‌گرفت تا درستی برداشت‌ها تعیین شود. توجه مصاحبه‌شوندگان به برخی از نکته‌ها موجب تصحیح رونوشت مصاحبه‌ها شد.

پس از انجام هر مصاحبه و انتقال آن به رایانه و با استفاده از نرم‌افزار مکس کیو دا ۱۰، اقدام به نگارش سطر به سطر گفته‌ها و بارگذاری آن شد؛ آنگاه در فرایند کدگذاری باز برای هر واحد تحلیل یک کد اختصاص یافت، گاه به یک سطر چند کد اختصاص یافته است. در ادامه کدهایی که

به‌نوعی باهم ارتباط داشتند در قالب کد محوری شناخته شد. برای تعیین میزان توافق و ارزیابی روایی هر شاخص (زیر مقوله) از نگاه خبرگان (مشارکت‌کنندگانی که در مرحله مصاحبه حضور داشتند)، پیش از تدوین مدل، از دو ضریب نسبت روایی محتوایی (CVR)^۲ و شاخص روایی محتوا (CVI)^۳ استفاده شد. بدین ترتیب که پرسشنامه‌ای دووجهی در ۳۶ گویه بر مبنای یافته‌ها (زیر مقوله‌های اکتشافی از مصاحبه‌ها) تهیه شد.

برای تعیین CVR از خبرگان مشارکت‌کننده در فرایند پرسشنامه درخواست شد که هر شاخص (زیر مقوله) را بر مبنای طیف سه‌قسمتی (ضروری است، سودمند است ولی ضروری نیست، ضرورتی ندارد، هر یک با وزن‌های ۰، ۱ و ۲) بررسی کنند، سپس مقدار CVR بر مبنای فرمول زیر محاسبه شد:

$$CVR = \frac{n_E - N/2}{N/2}$$

که در فرمول اشاره‌شده nE تعداد افراد خبره‌ای است که به گزینه‌ی ضروری است را انتخاب کردند و N شمار کل افراد خبره است.

برای تعیین CVI، سه معیار سادگی، اختصاصی بودن (مرتبط بودن) و وضوح به‌صورت یک مقیاس ۴ قسمتی (غیر مرتبط تا حدودی مرتبط، مرتبط و صد درصد مرتبط با وزن‌های ۰، ۱، ۲ و ۳) برای هر یک از گویه‌ها بررسی، امتیاز CVI به وسیله‌ی انباشت امتیازهای موافق برای هر گویه که رتبه مرتبط و کاملاً مرتبط کسب کرده‌اند تقسیم‌بر شمار کل متخصصان محاسبه شد. شمار ۲۰ نفر از مشارکت‌کننده در مرحله پیش حاضر به همکاری برای توافق سنجی در این مرحله شدند لذا، گویه‌ها یا زیر مقوله‌هایی که دست‌کم میزان

پرسشنامه‌ای در قالب مقیاس ۹ گزینه‌ای طراحی شد. در این مرحله نیز ۲۰ نفر از مشارکت‌کنندگان در مرحله پیش حاضر به همکاری شدند. برای بررسی مناسب بودن اجزاء الگو مقیاس ۹ گزینه‌ای به دو بخش ۱ تا ۵ (متوسط و کمتر) به مفهوم نامتناسب و ۶ تا ۹ به مفهوم متناسب دسته‌بندی شد و درصد فراوانی هر کدام بررسی شد.

یافته‌ها

میانگین سن پاسخگویان مورد بررسی، ۵۲/۵ سال و میزان تحصیلات همه آنان دکتری بود. همچنین میانگین پیشینه کار ۲۵ سال بوده است.

CVR آن‌ها برابر با ۰/۴۲ و همچنین CVI آن‌ها برابر با ۰/۷۹ بودند، انتخاب شدند. بدین معنی که متخصصان توافق لازم را از نظر میزان هماهنگی محتوایی روی این مؤلفه‌ها داشتند (لاوشی، ۱۹۷۵؛ حاجی‌زاده و اصغری، ۱۳۹۰). سپس بر مبنای نمره‌های به‌دست‌آمده کدگذاری گزینشی انجام شد. کدگذاری گزینشی نحوه‌ی پیوند مؤلفه‌های تعیین‌شده در فرایند مصاحبه و تأیید شده توسط خبرگان را بر اساس دو شاخص CVR و CVI را در ساختار مدل مشخص می‌سازد.

به‌منظور گرفتن نظر مصاحبه‌شوندگان (برای توافق سنجی نظرها برای اعتبار یابی الگو)

جدول ۱- پراکنش پاسخ‌گویان بر پایه‌ی ویژگی‌های شغلی (n= ۲۲)

ویژگی	میانگین (سال)
سن پاسخ‌دهندگان	۵۲/۵
میزان تحصیلات	دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی Ph.D
پیشینه کار	۲۵

در قالب ۵ کد محوری؛ ۱۱ نشانه (زیر مقوله) های رویه‌ها و راهکارهای ارتقای سرمایه اجتماعی مرکزهای آموزشی مهارتی کشاورزی در قالب ۳ کد محوری و ۹ نشانه (زیر مقوله) پیامدی در قالب ۲ کد محوری نتایج بهسازی سرمایه اجتماعی به دست آمد که به تفصیل در جدول‌های ۲، ۳ و ۴ نشان داده شده است.

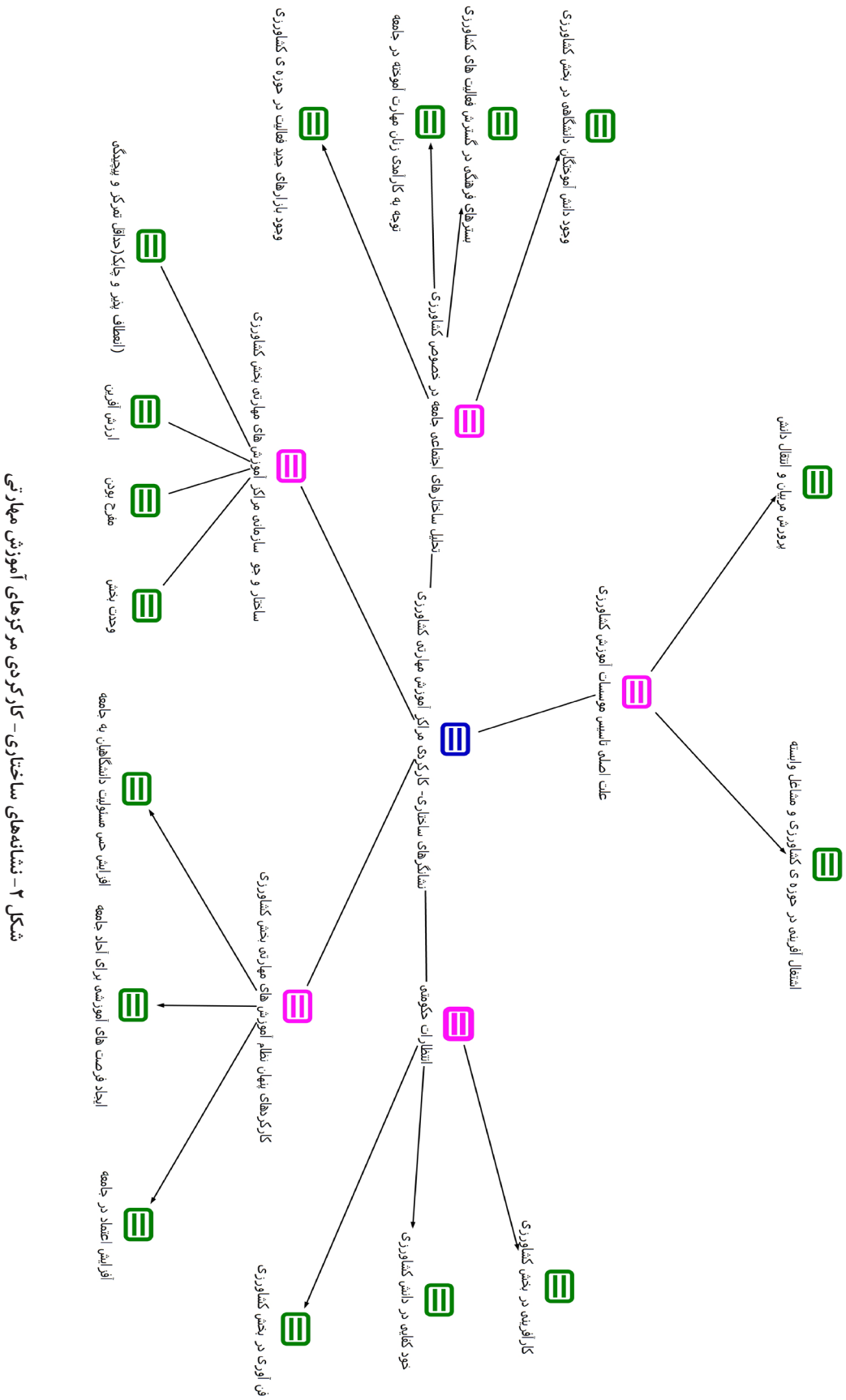
از تحلیل داده‌های کیفی پژوهش به‌منظور تبیین عامل‌های علی، زمینه‌ای، اقدام‌ها و نتایج آموزش‌های مهارتی کشاورزی در سرمایه اجتماعی، در مرحله کدگذاری اولیه، ۱۷۵ کد مفهومی اولیه حاصل شد. پس از بررسی و مطابقت کدها و حذف کدهای تکراری، پس از چندین بار مطالعه و تفحص در میان داده‌ها، مفاهیم کدها و مقوله‌ها و مقایسه با نظریه‌ها و مدل‌های سرمایه اجتماعی، کدگذاری محوری انجام شد. نتیجه به‌دست‌آمده از این فرایند ۱۶ نشانه (زیر مقوله) های ساختاری - کارکردی مرکزهای آموزشی مهارتی کشاورزی

جدول ۲- معرفی نشانه‌های ساختاری- کارکردی مرکزهای آموزش مهارتی کشاورزی

اولویت	زیر مقوله‌ها (کدگذاری باز)	فراوانی مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی (کدگذاری محوری)
۱	اشتغال آفرینی در حوزه‌ی کشاورزی و مشاغل وابسته	۱۴	علت اصلی تأسیس موسسه‌های آموزش کشاورزی
	پرورش مربیان و انتقال دانش	۱۲	
۱	کارآفرینی در بخش کشاورزی	۱۵	انتظارهای حکومتی
	خودکفایی در دانش کشاورزی	۱۶	
	فناوری در بخش کشاورزی	۱۱	
۱	افزایش اعتماد در جامعه	۱۲	کارکردهای پنهان نظام آموزش‌های مهارتی بخش کشاورزی
	ایجاد فرصت‌های آموزشی برای آحاد جامعه	۱۱	
	افزایش حس مسئولیت دانشجویان به جامعه	۹	
۱	وحدت‌بخش	۱۳	ساختار و جوسازمانی مرکزهای آموزش‌های مهارتی بخش کشاورزی
	مفرح بودن	۱۶	
	ارزش‌آفرین	۱۵	
	انعطاف‌پذیر و چابک (حداقل تمرکز و پیچیدگی)	۱۲	
۱	وجود دانش‌آموختگان دانشگاهی در بخش کشاورزی	۱۶	تحلیل ساختارهای اجتماعی جامعه در زمینه‌ی کشاورزی
	بسترهای فرهنگی در گسترش فعالیت‌های کشاورزی	۱۶	
	توجه به کارآمدی زنان مهارت‌آموخته در جامعه	۱۴	
	وجود بازارهای جدید فعالیت در حوزه‌ی کشاورزی	۱۳	

مهارتی از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان است. شکل ۲، خروجی نرم‌افزار مکس کیودا است که نشانه‌های ساختاری- کارکردی مرکزهای آموزش مهارتی را نشان می‌دهد (شکل ۲).

زیر مقوله‌ها و مقوله‌ی اشاره‌شده که با عنوان نشانه‌های ساختاری- کارکردی مرکزهای آموزش مهارتی نام‌گذاری شده‌اند در واقع علت اصلی پرداختن به مفهوم سرمایه اجتماعی و گسترش سرمایه اجتماعی در مرکزهای آموزش



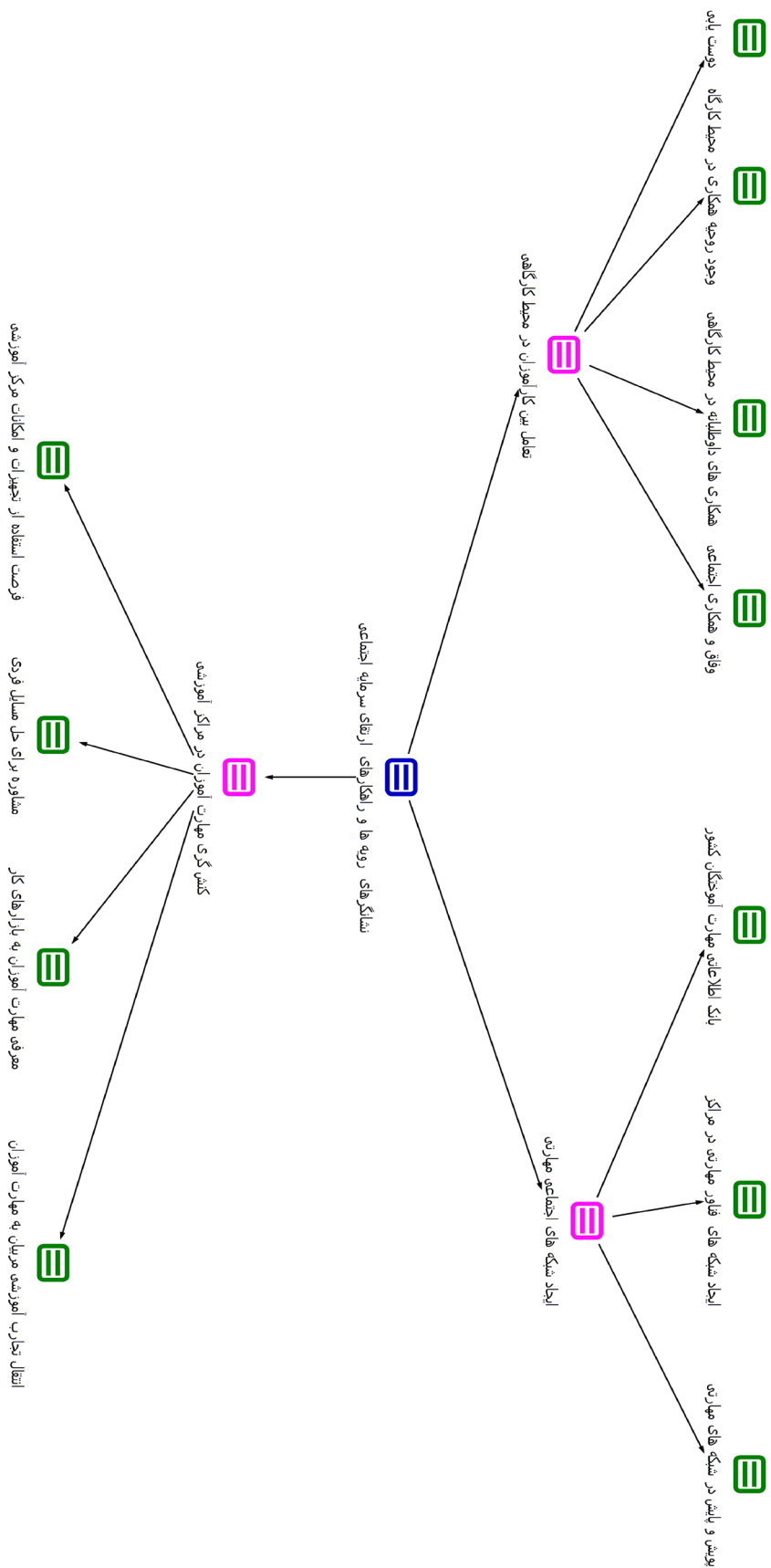
شکل ۳- نشانه‌های ساختاری- کارکردی مرکزهای آموزش مهارتی

جدول ۳- معرفی نشانه‌های رویه‌ها و راهکارهای ارتقای سرمایه اجتماعی در مراکزهای آموزش مهارتی کشاورزی

اولویت	زیر مقوله‌ها (کدگذاری باز)	فراوانی مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی (کدگذاری محوری)
۱	همکاری‌های داوطلبانه در محیط کارگاهی	۱۴	تعامل بین کارآموزان در محیط کارگاهی
۲	وجود روحیه همکاری در محیط کارگاه	۱۳	
۳	وفاق و همکاری اجتماعی	۱۳	
۴	دوست‌یابی	۱۲	
۱	انتقال تجارب آموزشی مریبان به مهارت آموزان	۱۵	کنش‌گری مهارت آموزان در مراکزهای آموزشی
۲	معرفی مهارت آموزان به بازارهای کار	۱۴	
۳	مشاوره برای حل مسائل فردی	۱۳	
۴	فرصت استفاده از تجهیزات و امکانات مرکز آموزشی	۱۲	
۱	پویش و پایش در شبکه‌های مهارتی	۱۶	ایجاد شبکه‌های اجتماعی مهارتی
۲	ایجاد شبکه‌های فناوری مهارتی در مراکز	۱۵	
۳	بانک اطلاعاتی مهارت آموختگان کشور	۱۱	

نرم‌افزار شامل رویه‌ها و راهکارهای ارتقای سرمایه اجتماعی در مراکز آموزش مهارتی را نشان می‌دهد (شکل ۳).

زیر مقوله‌ها و مقوله‌ی اشاره‌شده که تحت عنوان نشانه‌های رویه‌ها و راهکارهای ارتقای سرمایه اجتماعی در مراکز آموزش مهارتی نام‌گذاری شده‌اند در واقع رویه‌ها و راهکار بهسازی سرمایه اجتماعی در مراکزهای آموزش مهارتی کشاورزی از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان است. شکل ۳، خروجی



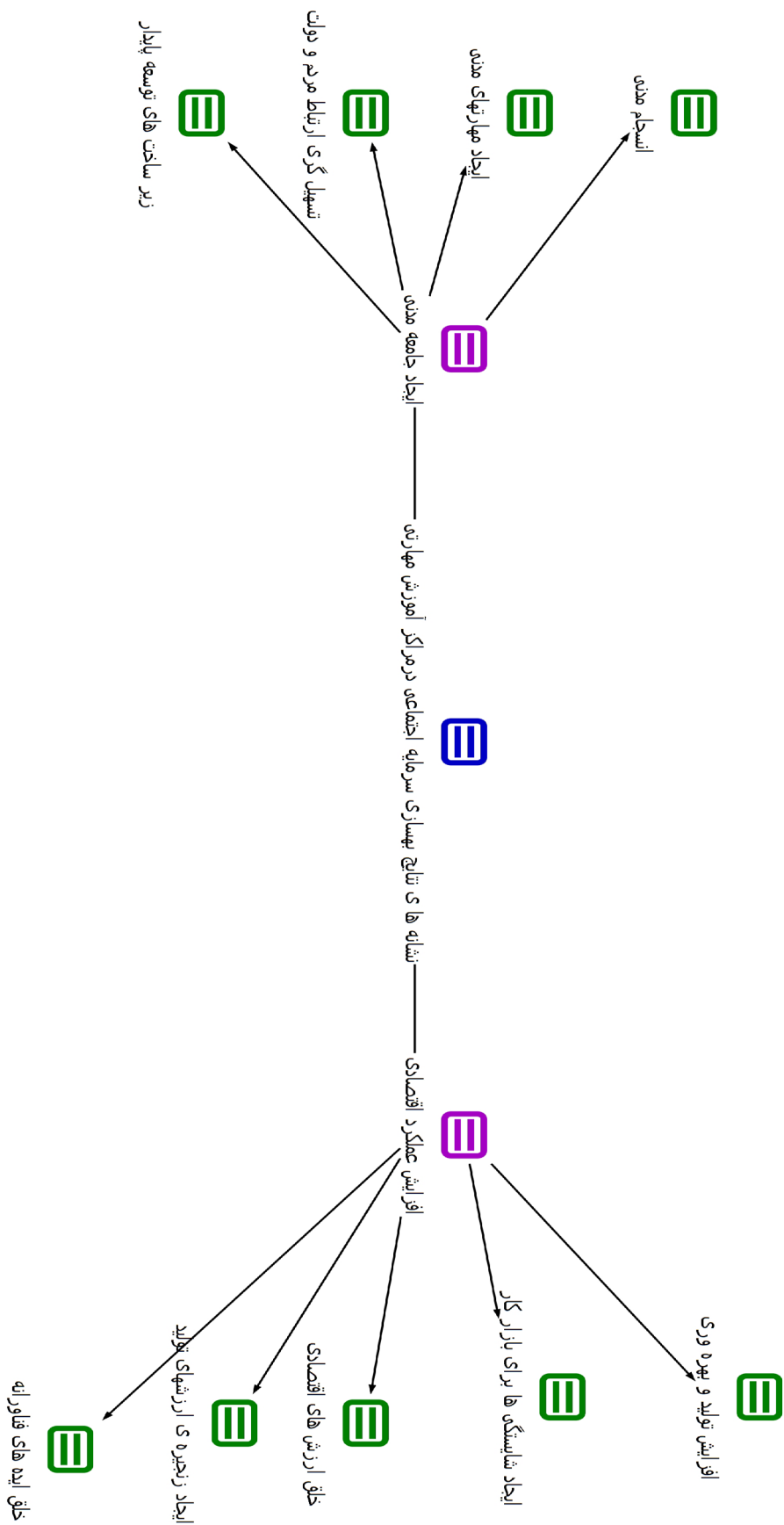
شکل ۳- نشانه‌های رویه‌ها و راهکارهای ارتقای سرمایه اجتماعی در مرکزهای آموزش مهارتی کشاورزی

جدول ۴- معرفی نشانه‌های نتایج بهسازی سرمایه اجتماعی در مرکزهای آموزش مهارتی

اولویت	زیر مقوله‌ها (کدگذاری باز)	فراوانی مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی (کدگذاری محوری)
۱	انسجام مدنی	۱۴	ایجاد جامعه مدنی
۲	ایجاد مهارت‌های مدنی	۱۲	
۲	آسانگری گری ارتباط مردم و دولت	۱۲	
۳	زیرساخت‌های توسعه پایدار	۱۱	
۱	افزایش تولید و بهره‌وری	۱۷	افزایش عملکرد اقتصادی
۲	ایجاد شایستگی‌ها برای بازار کار	۱۵	
۲	خلق ارزش‌های اقتصادی	۱۵	
۳	ایجاد زنجیره‌ی ارزش‌های تولید	۱۴	
۴	خلق دیدگاه فناورانه	۱۲	

شکل ۴، خروجی نرم‌افزار نشانگرهای ساختاری- کارکردی مرکزهای آموزش مهارتی را نشان می‌دهد (شکل ۴).

زیر مقوله‌ها و مقوله‌ی اشاره‌شده که با عنوان نشانه‌های ساختاری- کارکردی مرکزهای آموزش مهارتی نام‌گذاری شده‌اند در واقع رویه‌ها و راهکار بهسازی سرمایه اجتماعی در مرکزهای آموزش مهارتی کشاورزی از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان است.



شکل ۴- نشانه های نتایج بهسازی سرمایه اجتماعی در مرکز های آموزش مهارتی

برای تعیین میزان توافق و ارزیابی روایی هر یک از نشانه‌ها (زیر مقوله‌ها) از نگاه خبرگان (مشارکت‌کنندگانی که در مرحله مصاحبه حضور داشتند، CVR و CVI آن‌ها محاسبه شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که گویه‌های به‌دست‌آمده از نتایج پژوهش کیفی در مرحله کدگذاری محوری، از نظر روایی محتوایی مورد تأیید خبرگان قرار گرفته‌اند زیرا میزان آن‌ها از ۰/۸ بیشتر بوده است. در مرحله‌ی بعد پس از اطمینان از روایی محتوایی گزینه‌ها، کدگذاری گزینشی انجام شد. در فرایند کدگذاری گزینشی به‌منظور ارتباط بین مقوله‌های شناسایی‌شده نشان می‌دهد که مدل مشخص‌شده حاوی عامل‌های اصلی یعنی شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها به شرح زیر خواهد بود.

در مدل‌سازی به روش پایه‌ور، شرایط علی؛ شرایطی هستند که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این تحقیق خبرگان، شرایط علی را علت اصلی تأسیس مرکزهای آموزش مهارتی بخش کشاورزی (تکلیف عملکردی سازمان‌های آموزشی مهارتی) می‌دانند. همچنین آنان، دو نشانه‌ی اشتغال آفرینی بهتر در حوزه‌ی کشاورزی و پرورش مربیان و انتقال بهتر دانش را مهم‌ترین مقوله‌هایی می‌دانند که علت اصلی توجه به بهسازی سرمایه اجتماعی در آموزش‌های مهارتی است. در این رابطه یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «اینکه ترویج و آموزش کشاورزی در مؤسسه علمی کاربردی مورد توجه دانشجویان قرار گرفته است، افزون بر ایجاد زمینه‌ها و بسترهای اشتغال که البته خیلی مهم است، روش‌های انتقال دانش برای بهره‌وری بیشتر عامل‌ها تولید بسیار ارزشمند است. هر چه وحدت رویه بین عناصرها بهتر و بیشتر باشد

یعنی] سرمایه اجتماعی بیشتر باشد این تکلیف بهتر و موفق‌تر صورت می‌گیرد» (مشارکت‌کننده چهارم). یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارد «..... دراصل دو عامل برای تبیین یک نظام اجتماعی بسیار مهم است یکی آنکه چرا این ساختار شکل گرفته و دوم این ساختار چه کارکردی دارد. اگر قبول کنیم نظام آموزش مهارتی برای این شکل گرفته است که مشکل اشتغال را حل کند یا از طریق این دانشگاه‌ها افرادی تربیت کنند که خود در ترویج اشتغال کمک کنند پاسخ هر دو پرسش داده می‌شود اما کارکردها زمانی موفق عمل می‌کنند و ساختارها زمانی منضبط می‌شوند که وفاق شکل گیرد که عامل آن پرداختن به مقوله‌های سرمایه اجتماعی است.....» (مشارکت‌کننده نهم).

محیط یا زمینه‌ها عامل‌ها و رویدادهایی هستند که راهبردها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. زمینه، ارزش‌ها و موقعیت‌هایی هستند که متغیر در متن آن قرار دارد. در این تحقیق محیط و زمینه‌ها شامل سه عنوانی است که در ساختاری- کارکردی مرکزهای آموزش مهارتی کشاورزی وجود دارند که عبارت‌اند از کارکردهای پنهان نظام آموزش‌های مهارتی، تحلیل ساختارهای اجتماعی جامعه و جو موجود در مرکزهای آموزش‌های مهارتی؛ مشارکت‌کنندگان جوسازمانی موجود در مرکزهای آموزش‌های مهارتی را تعامل سازنده عناصر و عامل‌ها، وحدت هدف‌ها، محیط فرح‌بخش و شاداب و با کمترین پیچیدگی و تمرکز و ارزش‌آفرین می‌دانند، افزون بر این مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند ضمن آنکه مرکزهای آموزش مهارتی بخش کشاورزی کارکردهای آشکار دارند کارکردهای نهانی نیز وجود دارد که این کارکردها باعث می‌شوند به سرمایه اجتماعی و

مسئله کشاورزی استان که مدت‌ها به فراموشی سپرده شده بود کارکرد نیروی کار فراوانی وجود دارد که تربیت شده همین نظام‌های آموزشی هستند و در جامعه حضور دارند، منتها باید هم‌افزایی کرد، نیروها را بسیج کرد و در آنان اعتماد ایجاد کرد تا در خودشان عزت نفس ایجاد شود و بتوانند در این بازارها فعالیت نمایند.

شرایط مداخله کننده مشابه زمینه است و آن متغیرها و شرایطی است که پدیده در آن روی می‌دهد، در این تحقیق شرایط مداخله‌ای، انتظارهای دولت از موسسه‌های آموزش مهارت پرورش انسان‌های کارآفرین است. کارآفرینی نیاز به مهارت‌هایی دارد که حکومت از مؤسسات می‌خواهد و جزء کارکردهای موسسه‌های به شمار می‌آید. در این رابطه یکی از مشارکت‌کنندگان که مدیر یکی از دانشگاه‌های علمی کاربردی است می‌گوید «... انتظار دولت این است که ما زمینه‌های کارآفرینی را ایجاد کنیم. این انتظار کمی نیست بنابراین ما باید علاوه بر اینکه دانشگاه کارآفرین باشیم باید کارآفرینی را به جامعه تزریق کنیم. حال آنکه ابزار این نوع تفکر توجه به جنبه‌های اجتماعی است...» (مشارکت‌کننده نهم).

پدیده اصلی یا هسته‌ی فرایند مورد بررسی است. پدیده قالب و نمای اصلی است؛ در این تحقیق توجه به بهسازی سرمایه اجتماعی در آموزش‌های مهارتی مقوله اصلی در مدل هست؛ به نظر می‌رسد مشکلات مربوط به عدم موفقیت مهارت آموختگان دستگاه‌های مهارتی در چارچوب نظریه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی قابل تبیین است. در واقع می‌توان نقش سرمایه اجتماعی را در سازوکار ایجاد ارتباط متقابل بین عامل‌های اقتصادی و تأثیرگذاری آن بر دیگر شرایط اقتصاد

روند بهسازی آن بیشتر توجه شود، همین‌طور مشارکت‌کنندگان یکی دیگر از دلایلی را که باعث شده است توجه به مقوله سرمایه اجتماعی در این مؤسسات بیشتر مورد توجه قرار بگیرد موضوع تحلیل نو به ساختارهای اجتماعی جامعه می‌دانند. درباره‌ی کارکردهای پنهان مراکزهای آموزش‌های مهارتی کشاورزی مدیر و عضو هیئت علمی یکی از مراکز می‌گوید؛ «...یکی از خوبی‌های مراکز آموزش‌های مهارتی این است که فرصت‌های آموزشی خوبی را فراهم می‌کند که می‌تواند به عدالت آموزشی برای آحاد جامعه کمک کند گرچه هزینه‌های زیادی برای این موضوع شده و در سند آموزشی دانشگاه نیز در آن قید شده اما این موضوع کماکان ناپیداست به نظرم موضوع اتحاد اجتماعی که بیگمان سرمایه‌ای نافذ است که می‌تواند کمک زیادی به نمایان شدن بحث ابعاد پنهان فرصت‌های آموزشی و عدالت آموزشی کند...»

بنا بر اظهار نظر یکی از مشارکت‌کنندگان... همه‌ی آحاد انسانی حق دارند از آموزش‌های مهارتی برخوردار باشند این یک دمکراسی است، مهم نیست این آموزش از کجا داده می‌شود، البته امیدوارم یک کاسه شه و نهضت مهارت افزایشی ایجاد شه اما این مهم که الان سعی شده از طریق مراکزهای آموزشی فرصت‌های برابر به مهارت آموختگان داده به شه، یادمان باش توجه به ایجاد فرصت‌های برابر و اعتمادی که به وجود می‌آید می‌تواند به سرمایه اجتماعی مبدل بشه...» (مشارکت‌کننده پنجم)؛

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان بازارهای تازه و فعالیت در این بازار را عامل پرداختن به سرمایه اجتماعی می‌داند وی معتقد است «... الان فرصت‌های خوبی در بازار پدید آمده که می‌توان روی

بررسی کرد؛ در این رابطه یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید «... سرمایه اجتماعی موقعیت‌ها و رابطه‌هایی را تعیین می‌کند که در درون شبکه‌ها و گروه‌های اجتماعی و کاری ایجاد می‌شود این ارتباط فهیم و عقلایی است. همان‌طور که فهم و درک چگونگی انواع فرایندهایی که در کشاورزی نیاز به آموزش دارد و هیچ‌کس در نزد خود چیزی نشد، ایجاد سرمایه اجتماعی نیز به آموزش نیاز دارد و این آموزش باید در بطن متون درسی و در گفتار و کردار مربیان وجود داشته باشد و مشارکت‌کنندگان اجتماعی آن را در فضایی که تنفس می‌کنند نهادینه کنند؛ بخصوص برای دستگاه‌هایی که خروجی و پیامد آن‌ها در آینده و در دنیای کار رسمیت پیدا می‌کنند و به‌خصوص در بخش کشاورزی که مادر تمامی بخش‌های تولیدی است.....» (مشارکت‌کننده اول).

راهبردها، اقدام‌ها یا تعامل‌های ویژه‌ای هستند که از پدیده ناشی می‌شوند، درواقع راهبردها اقدام‌های هدفمندی هستند که در پاسخ پدیده و به دنبال شرایط مداخله‌کننده روی می‌دهند. تعامل بین کارآموزان در محیط کارگاهی، کنشگری مهارت آموزان در مرکزهای آموزشی، ایجاد شبکه‌های اجتماعی مهارتی سه راهبرد مهمی است که می‌تواند در بهسازی سرمایه اجتماعی کمک فراوانی کند. بسیاری از مشارکت‌کنندگان به حضور فعال مهارت‌آموختگان، مربیان و نیروهای دانشگاهی برای فراهم ساختن فضایی برای کارهای جمعی و گروهی و ایجاد تعامل و کنشگری در مرکزهای آموزشی اشاره کردند در این رابطه یکی از مشارکت‌کنندگان در خصوص راهبردهای که می‌تواند به افزایش سرمایه اجتماعی کمک کند می‌گوید؛ «... فضای دانشگاه فضای کنشگری است هر چه کنشگری بیشتر باشد

یعنی تعاملات انسانی بهتر باشد سرمایه اجتماعی قوی‌تر می‌گردد...» (مشارکت‌کننده پانزدهم). بسیاری از مشارکت‌کنندگان به وجود سامانه‌ای برای ارتباط نظام‌مند در شبکه‌های اجتماعی اشاره می‌کنند در این زمینه یکی از مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارد «... حضور در شبکه‌های اجتماعی باعث می‌شود مهارت آموزان توان و قابلیت‌های خود را به اشتراک قرار دهند از دو زاویه می‌توانیم به آن نگاه کنیم اول اینکه همین حضور یک بانک اطلاعاتی تولیدمی‌کنه و دوم سامان دادن به این همه استعدادها و تبدیل آن به فناوری از طریق راه انداختن خوشه‌های فناوری است خوشبختانه در مرکزهای ما این خوشه‌های فناوری ایجاد شده و رو به گسترش است...» (مشارکت‌کننده هفتم).

پیامدها، نتایجی است که در اثر راهبردها پدیدار می‌شود. بر مبنای نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها و نتایج پژوهش‌های گذشته نتایج توجه به سرمایه اجتماعی در آموزش‌های مهارتی افزایش تولید و بهره‌وری، ایجاد شایستگی‌ها برای بازار کار، خلق ارزش‌های اقتصادی، ایجاد زنجیره‌ی ارزش‌های تولید و خلق دیدگاه (ایده)‌های فناورانه به‌عنوان افزایش عملکرد اقتصادی عنوان شده است. در این مورد یکی از مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارد «... ایجاد یک کسب‌وکار جدید در حوزه‌ی کشاورزی موجب خلق ارزش‌ها در حوزه‌ی کشاورزی می‌شود، یک مزیت رقابتی برای کشور ما در شرایط تحریم است، جهت دهنده و نشان‌دهنده این انتخاب و وابستگی و ارتباط با مسیر حرفه‌ای یا شغلی افراد در طول زندگی تحصیلی‌شان است؛ این امر روی نمی‌دهد مگر در سایه اعتماد و ایجاد ارتباط متقابل و سازگاری بین جامعه، فرد و محیط تحصیلی...» (مشارکت‌کننده پنجم).

بهسازی سرمایه اجتماعی در مرکزهای آموزش مهارتی کشاورزی، طراحی و تدوین شد که در شکل ۵ خروجی نرم افزار مکس کیو دا نشان داده شده است (شکل ۵).

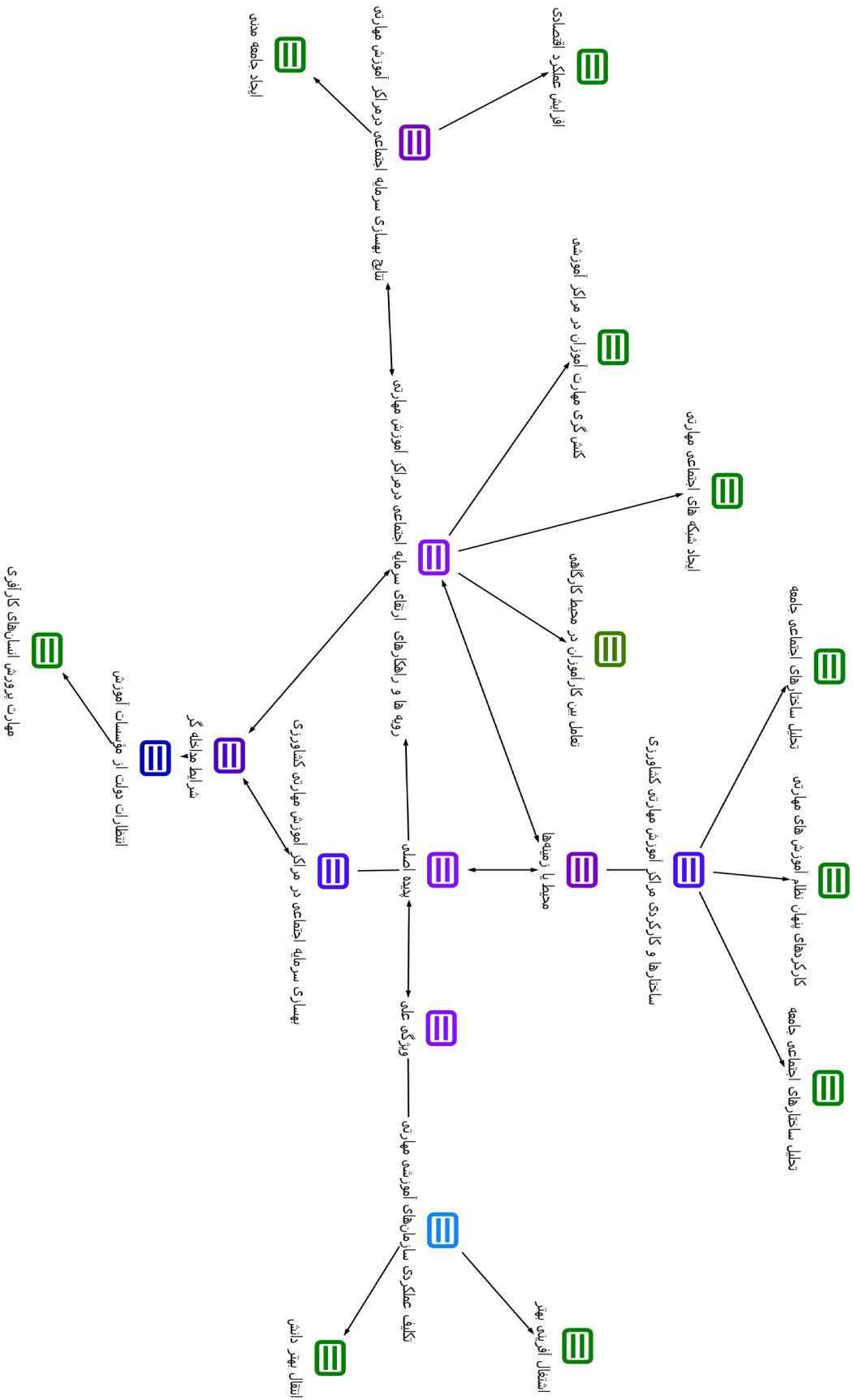
اعتبار سنجی مدل

برای اعتبار یابی مدل، مؤلفه های مدل تبدیل به پرسشنامه شد. از مصاحبه شوندهگان برای تأیید و رد مدل نظرخواهی شد. برای بررسی مناسب بودن اجزای الگو مقیاس ۹ گزینه ای انتخاب شد، این مقیاس به دو بخش ۱ تا ۵ (متوسط و کمتر)، به مفهوم نامناسب و ۶ تا ۹ (بزرگتر از متوسط) به مفهوم مناسب دسته بندی شد. توزیع فراوانی پرسشها ارزیابی مدل بیانگر این است که هر یک از مقادیرهای اجزا الگو بالاتر از ۶ می باشند، یافته های به دست آمده از اجرای پرسشنامه گویای توافق بین مشارکت کنندگان بر اساس جدول شماره ۵ بوده است. بدین صورت که چنانچه میزان توافق برای هر کدام از ابعاد مدل بیشتر از ۶۰ درصد باشد دلیل بر موجودیت مؤثر بعد در مدل بوده است و اگر کمتر از ۶۰ درصد باشد آن بعد در مدل جایگاهی نداشته و حذف شد (جدول شماره ۵).

یکی از مشارکت کنندگان در رابطه با نقش انواع سرمایه اجتماعی در رابطه با اقتصاد و رونق تولید می گوید: «..... دو نوع سرمایه اجتماعی وجود دارد که در رونق تولید نقش ایفا می کند، نخست سرمایه اجتماعی پیونددهنده است که تأثیر روابط نیروهای داخلی شبکه ای اقتصادی را در بخش کشاورزی و البته سایر بخشها تحکیم می کند. این تفکر تداوم روابط شبکه درون یک جمع یا یک تعاونی را که متشکل از همه ای اجزای زنجیر تولید است مشخص می کند که شامل مراحل ارزیابی زمین و قابلیت آن کاشت، داشت، برداشت، بازاریابی و فروش محصولات استراتژی کشاورزی است؛ هر چه این سرمایه اجتماعی پیونددهنده بیشتر باشد شبکه ها برای ایجاد یک فرایند تولید مستحکم تر می شود، افزایش این مداومت باعث دوام سرمایه اجتماعی متصل کننده است، سرمایه اجتماعی متصل کننده آن چنان رفتار می کند که کارآفرینان را به شبکه عظیم سرمایه های اقتصادی وصل می کند. به نظر من، دستگاه های آموزش مهارتی می توانند ارتباط بین دانشگاه و بازار را با تبیین سرمایه اجتماعی به خوبی ایفا کند.....» (مشارکت کننده یازدهم).

گروه دیگر از مشارکت جویان پیامدهای سرمایه اجتماعی در آموزش های مهارتی را ایجاد یک جامعه مدنی با ارائه مهارت ها و رفتارهای مدنی می دانند. در این رابطه یکی از مشارکت کنندگان می گویند «.....گرچه اقبال عمومی توجه به آموزش های مهارتی را در حوزه ای اقتصاد می دانند ولی نباید از حق بگذریم که توجه به ارکان جامعه می تواند مشارکت های مدنی را برای توسعه پایدار، مسئولیت اجتماعی بسط یافته شده و اخلاق اجتماعی داشته باشیم...» (مشارکت کننده پانزدهم).

بنا بر نتایج به دست آمده از تحقیق، مدل



شکل ۵- مدل بهسازی سرمایه اجتماعی در مرکزهای آموزش مهارتی کشاورزی

جدول ۵- آمار توصیفی پرسش های ارزیابی الگو

نامناسب	مناسب	مؤلفه های الگو	
۲۹٪	۷۱٪	تکلیف عملکردی سازمان های آموزشی مهارتی (اشتغال آفرینی بهتر در حوزه ی کشاورزی انتقال بهتر دانش)	شرایط علی
۲۵٪	۷۵٪	انتظارهای دولت از موسسه های آموزش (مهارت پرورش انسان های کارآفرین)	شرایط مداخله گر
۳۲٪	۶۸٪	ساختارها- کارکردهای مرکزهای آموزش مهارتی (کارکردهای پنهان نظام آموزش های مهارتی، تحلیل ساختارهای اجتماعی جامعه جو موجود در مرکزهای آموزش های مهارتی)	عوامل زمینه ای
۱۷٪	۸۳٪	تعامل بین کارآموزان در محیط کارگاهی کنش گری مهارت آموزان در مرکزهای آموزشی ایجاد شبکه های اجتماعی مهارتی	راهبردها
۲۶٪	۷۴٪	ایجاد جامعه مدنی افزایش عملکرد اقتصادی	مفوله های پیامدی

نتیجه گیری و پیشنهادها

منبع هایی است که افراد و گروه های شرکت کننده در آموزش های مهارتی با پیوندهای مستقیم و نامستقیم و نوع ارتباطات با محیط و بازار می توانند آن را گسترش دهند. نتایج این تحقیق نشان داد از جمله ضرورت های توجه به آموزش مهارتی، تقویت و بهسازی سرمایه اجتماعی در جامعه است. توجه به بهسازی سرمایه اجتماعی در یافته های صالحی عمران (۱۳۸۲) و شارع پور (۱۳۸۰) و قدمی (۱۳۸۶) نیز تأیید شده است.

سرمایه اجتماعی دارای خصلتی پویا، خودزایشی و خود تکوینی است. به سخن دیگر هر چه از اعتماد بیشتر استفاده شود، میزان آن

در هر جامعه ای، خرده نظام هایی مانند مرکزهای آموزش مهارتی کشاورزی در ارتباط متقابل با اجزای سازنده ی آن یعنی فراگیران، استادان و کارکنان، اصلی ترین منبع و قلمرو رابطه ها و تعامل ها اجتماعی همراه با احساسات و عواطفی است که مولد تعهدات متقابل برای برقراری پیوندها و وصل کردن کنشگران به همدیگر و ایجاد اعتماد، همبستگی، انسجام و محیط گرم و هم افزایی لازم برای آسانگری کنش ها و تأمین سلامت جسمانی و روانی و شورونشاط اجتماعی در جامعه است. و بهسازی سرمایه اجتماعی توسعه میزان سرمایه و

بیشتر می‌شود؛ زیرا اعتماد کردن، میزان اعتماد را تقویت و بهسازی می‌کند. در مجموع می‌توان گفت سرمایه اجتماعی شبکه‌ای متشکل از رابطه‌ها و پیوندهای مبتنی بر «اعتماد اجتماعی» بین فردی و بین گروهی و تعامل‌ها افراد با نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی است که قرین همبستگی و انسجام اجتماعی و برخورداری افراد و گروه‌ها از حمایت و انرژی لازم برای آسانگری کنش‌ها در جهت تحقق هدف‌های فردی و جمعی باشد. نتایج این تحقیق نشان داد که شرایط علی توجه به اشتغال آفرینی بهتر در حوزه‌ی کشاورزی و انتقال بهتر دانش که در اندیشه‌های دانشمندان چون لیوتارد (۱۹۸۴)، اسکالت (۲۰۱۷)؛ در خصوص توجه دستگاه‌های آموزشی به رعایت مؤلفه‌های مسئولیت‌های اجتماعی، وجود دارد.

در این تحقیق انتظارهای دولت از مؤسسه‌های آموزش مهارتی به‌عنوان شرایط مداخله‌گر دیده‌شده است، بنا بر نظریه راسه (۲۰۰۵) یکی از مهم‌ترین عامل‌هایی که دانشگاه‌ها را ملزم به ایجاد رابطه‌های اجتماعی می‌کند انتظارهای دولت از دانشگاه‌ها برای کارآفرینی و چابک‌سازی دانشگاهی است. در سند نقشه جامع کشور مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز به کارآفرین شدن دانشگاه‌ها از طریق گسترش تعامل‌ها اشاره شده است.

در این تحقیق کارکردهای پنهان نظام آموزش‌های مهارتی، تحلیل ساختارهای اجتماعی جامعه و جو موجود در مرکزها آموزش‌های مهارتی) است. در این نظام تعریف دوره‌ها بر مبنای نیاز دستگاه‌های اجرایی و بازار کار صورت می‌گیرد و محتوای دوره‌ها دراصل کاربردی است؛ محیط و اهداف و ویژگی‌های مدرسان همگی دارای ویژگی‌های اشتغال است؛ مشارکت‌کنندگان

در این تحقیق هم به مسئله مشابه‌سازی تمامی مؤلفه‌های بازار در محیط آموزش‌های مهارتی استناد می‌کردند؛ موفقیت در بازار وابسته به مشارکت، تعامل و همکاری است.

در این تحقیق راهبردهای ایجاد سرمایه اجتماعی در آموزش‌های مهارتی تعامل بین کارآموزان، تعامل مربیان با کارآموزان، تعامل کارآموزان با مسئولان آموزشی، شبکه‌های رابطه‌های درونی، ایجاد هنجارهای اجتماعی، عدالت اجتماعی و اعتماد اجتماعی است. بیشترین شمار مشارکت‌کنندگان بر نقش آموزش‌های مهارتی بر ایجاد اعتماد اجتماعی تأکید کرده‌اند؛ اعتماد اجتماعی را می‌توان حسن ظن فرد نسبت به دیگر اعضای جامعه تعریف کرد که این امر موجب گسترش و آسانگری روابط اجتماعی فرد با آن‌ها می‌شود؛ اعتماد در بستر تعامل‌ها و کنش‌های گروهی باعث رشد انسان می‌شود و استعدادها و توانایی‌ها را شکوفا و آسان‌تر می‌کند و مانند روان‌کننده‌ای، چرخ‌های کنش اجتماعی را آسان‌تر به حرکت درمی‌آورد. اعتماد؛ مبنای شکل‌گیری روابط اجتماعی و توسعه یک جامعه به شمار می‌آید و کاهش یا افزایش آن‌ها، می‌تواند تأثیر زیادی بر ساختارهای مختلف جامعه و روابط اجتماعی مردم آن بگذارد. در این میان، مرکزهای آموزش مهارتی، با آموزش و تربیت متخصصان و نخبگان، تولید علم و فناوری و ارتقای علم و فرهنگ در جامعه نقش مهمی در توسعه و سازمان‌دهی بازار کار و رونق تولید می‌تواند ایفا کند. لزوم به‌کارگیری سیاست‌هایی برای ایجاد اعتماد اجتماعی مورد تأکید اندیشمندان چون گلیو و همکاران (۲۰۱۱)، صالحی عمران و همکاران (۱۳۹۴) بوده است. از سوی دیگر عامل دیگری که باعث ایجاد سرمایه اجتماعی از طریق آموزش‌های

آموزش‌های مهارتی پیش‌نیاز تحقق رشد و توسعه اقتصادی است. پیش‌تر پانتم (۱۹۹۳)، در نتایج تحقیقات خود استدلال کرد که سرمایه اجتماعی می‌تواند رونق و رشد اقتصادی را توضیح دهد، هال و جونز (۱۹۹۹)، نقش اعتماد به‌عنوان یکی از عنصرهای سرمایه اجتماعی روی کارآفرینی را معنادار دانستند؛ اینچینوم و مگی (۲۰۰۰) نقش سرمایه اجتماعی را روی بهره‌وری کارکنان مثبت ارزیابی کردند. بیگلزدیجک و شیک (۲۰۰۵) در نتایج بررسی‌های خود نشان دادند مشارکت در ارتباطات اجتماعی می‌تواند باعث تحریک اجتماعی شود، بنابراین می‌توان گفت نتایج این تحقیق با یافته‌های تحقیق پانتم، هال و جونز، اینچینوم و مگی و بیگلزدیجک و شیک هم‌راستا است.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش به متولیان بخش کشاورزی تاکید می‌شود تا به‌منظور بهبود بهره‌وری در تولیدهای کشاورزی و همچنین تحقق جامعه مدنی راهبردهای توصیه‌شده در این تحقیق را عملیاتی نمایند بدون شک آموزش‌های مهارتی و نقش آن در سرمایه‌گذاری اجتماعی می‌تواند با ایجاد هنجارها و شبکه‌های اجتماعی انسجام بخش رابطه‌ها میان انسان‌ها و سازمان‌ها، کارایی اجتماعی را ارتقاء بخشد و به رونق تولید انجامد. لذا ضرورت دارد:

۱- پیوندها و تعامل‌های اجتماعی در سطوح خرد و کلان اعم از رابطه فردی و نهادی فراگیران، استادان و منابع انسانی مراکزهای آموزش مهارتی کشاورزی در قالب کارهای گروهی تقویت گردد، زیرا هم‌اکنون شاهد نوعی گسست و یا تضعیف در این تعاملات هستیم که مانع بزرگی برای حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود.

۲- طراحی و تدوین دوره‌ها هماهنگ با نیاز

مهارتی می‌شود؛ عدالت آموزشی است؛ عدالت آموزشی را می‌توان به‌عنوان هدف یا به‌عنوان وسیله‌ای در جهت تحقق هدف بلندمدت برابری اجتماعی موردتوجه قرارداد؛ در این مفهوم، برابری در آموزش به این معنی است که افراد باید در انتخاب آموزش برابر باشند؛ توسعه آموزش‌های مهارتی از مهم‌ترین سیاست‌های کشورها پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. جایگاه آموزش‌های مهارتی در نقشه جامع علمی کشور و سیاست‌های کلان برنامه ششم ابلاغی مقام معظم رهبری موردتوجه قرار گرفته است. در هدف چهارم از هدف‌های نظام علم، فناوری و نوآوری کشور، دستیابی به سطح دانش و مهارت نیروی کار کشور متناسب با معیار جهانی و در جهت پاسخگویی به نیازهای جامعه و بازار کار داخلی و بین‌المللی اشاره شده است یا در یکی از راهبردها به‌صراحت، سازمان‌دهی نظام‌های حرفه‌ای مبتنی بر دانش علمی و فنی برای اداره واحدهای اقتصادی اجتماعی و نهادینه کردن فرهنگ مهارت‌گرایی و پژوهش محوری و کارآفرینی در نظام علم و فناوری و نوآوری و همچنین تقویت و حمایت از آموزش‌های مهارتی با تمرکز در سیاست‌گذاری و نظارت به همراه تقویت مشارکت بخش‌های غیردولتی موردتوجه قرار گرفته است. عدالت آموزشی در توزیع و ترویج آموزش‌های مهارتی مورد تأکید برخی از پژوهشگران چون پرایس (۲۰۰۹) باتومز (۲۰۰۶) بوده است.

در این تحقیق مقوله‌ی پیامدی ایجاد جامعه مدنی افزایش عملکرد اقتصادی تولید تعریف شده است. بررسی‌های مربوط به سرمایه اجتماعی و رابطه‌ی آن با سرمایه اقتصادی یکی از موضوع‌های جدی در اقتصاد قلمداد می‌شود؛ یافته‌های این تحقیق نشان داد سرمایه اجتماعی از طریق

دستگاه‌های اجرایی و بازار کاربر مبنای مشارکت برنامه ریزان، فراگیران و تدوین محتوا دوره‌ها به صورت کاربردی؛ تا ضمن ایجاد کارآفرینی و چابک سازی مرکزهای آموزش مهارتی، منجر به ایجاد انسجام اجتماعی و در نهایت تقویت سرمایه اجتماعی شود.

۳- اقدام برای آسانگری کنش‌های اجتماعی در بین مدرسان، فراگیران و منابع انسانی از طریق افزایش گفتمان‌های در مرکزهای آموزش مهارتی کشاورزی.

۴- ایجاد و تقویت «جامعه مدنی» فعال و سازنده در مرکزهای آموزش مهارتی کشاورزی تا نیروهای

اجتماعی به‌ویژه گروه‌های سنی جوان بتوانند در قالب جامعه مدنی به کنشگری پرداخته و زمینه‌های لازم برای تقویت همبستگی و انسجام اجتماعی را فراهم سازند.

۵- جلوگیری از بروز هرگونه ناامیدی، دل‌زدگی، از خودبیگانگی و بی‌تفاوتی اجتماعی که زمینه‌های تضعیف «اعتماد اجتماعی» را فراهم می‌کند

پی‌نوشت‌ها

1-Max QDA10

2- Content Validity Ratio

3- Content Validity Index

منبع‌ها

- اشتراوس، آ. و کربین، ج. (۲۰۰۳). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار، ۱۳۹۵، تهران: انتشارات نشر نی.
- تنکابنی، ف.، یوسفی، ع. و کشتی آرای، ن. (۱۳۹۳). طراحی اهداف مبتنی بر توسعه اجتماعی در برنامه درسی آموزش عالی ایران. دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، شماره ۱۱؛ صص ۷-۲۶.
- جلالی، ا. و نصراللهی، ز. (۱۳۹۸). اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر چرخش انگیزه‌ها: رهیافت اقتصاد رفتاری مبتنی بر نظریه بازی‌ها. پژوهش نامه رشد و توسعه اقتصادی. شماره ۳۴ صص ۱۳۱-۱۴۸.
- چراغی، ب. و همکاران (۱۳۹۸). بررسی عوامل عدم تحقق رشد اقتصادی پایدار از منظر سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران. فصلنامه رشد و توسعه اقتصادی. شماره ۳۴. صص ۷۷-۹۸.
- حاجی زاده، ا. و اصغری، م. (۱۳۹۰). روش‌ها و تحلیل‌های آماری با نگاه به روش تحقیق در علوم زیستی و بهداشتی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
- خاوری، ع. و طالبیان، م. (۱۳۹۸). ابعاد تصویر آموزش‌های مهارتی از نگاه دانشجویان مهارت آموخته اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران، چهارمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش، محمودآباد، آموزش و پرورش مازندران.
- دهقانی، م. و فرجی، م. (۱۳۹۶). بررسی کاربست مؤلفه‌های سرمایه‌های اجتماعی در مدارس شهر تهران. دو فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت مدرسه، شماره ۲. صص ۲۷۷-۲۹۷.
- ذاکر صالحی، غ. (۱۳۸۷). پارادوکس سرمایه اجتماعی تحصیل‌کردگان ایرانی: بررسی رابطه آموزش عالی و سرمایه اجتماعی در ایران. فصلنامه آموزش مهندسی ایران. شماره ۴۰. صص ۲۵-۴۰.
- رضایی، ر. (۱۳۹۳). تاثیر سازه‌های سرمایه اجتماعی بر سرمایه فکری در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی در استان زنجان. فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران. شماره ۲. دوره ۱۰. صص: ۳۱-۴۸.
- رضایی، ر.، شعبانعلی فمی، ح. و صلاحی مقدم، ن. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد سازمانی در سازمان جهاد کشاورزی استان البرز. فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران. شماره ۲. صص ۱۲۱-۱۳۱.
- زایری، ه. و خسروی پور، ب. (۱۳۹۷). نقش آموزش‌های مهارتی در توانمندسازی و اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی ایران، تهران، مرکز بین‌المللی همایش‌ها و سمینارهای توسعه پایدار علوم جهان اسلام.
- سلیمی، ج. (۱۳۹۳). آموزش فنی و حرفه‌ای، نیروی انسانی و کارآفرینی؛ مطالعه موردی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای استان کردستان فصلنامه مهارت آموزی: شماره هشتم؛ ۷-۲۴.
- سلیمی، ق.، مهرورز، م. و پذیرش، ر. (۱۳۹۶). نقش سرمایه اجتماعی در ارتقای آمادگی کارآفرینی دانشجویان مهندسی دانشگاه شیراز. فصلنامه آموزش مهندسی ایران. شماره ۷۳. صص ۱-۲۴.
- شارع پور، م. (۱۳۸۸). روند جهانی در سنجش سرمایه اجتماعی. فصلنامه روند مدیریت و توسعه. شماره ۶۹. صص ۶-۱۹.

شیر اسب، م.، مذبوحی، س. و عصاره، ع. (۱۳۹۷). نقش سرمایه اجتماعی در اشتراک بین دانش جویان کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی. شماره ۴۴. صص ۲۰-۲۸.

صالحی عمران، ا. (۱۳۹۳) آموزش عالی و سرمایه اجتماعی. پژوهش‌نامه توسعه فرهنگی و اجتماعی. شماره ۱ صص ۵۵-۷۵.

صالحی عمران، ا.، شارع پور، م. و خانه‌زاده، ع. (۱۳۹۴)، بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی در آموزش و پرورش و برنامه‌ریزی آموزشی، اولین همایش علمی پژوهشی علوم مدیریت و برنامه‌ریزی، آموزش و استانداردسازی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.

صالحی عمران، ا.، شارع پور، م. و خانه‌زاده، ع. (۱۳۹۵). بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی در آموزش و پرورش و برنامه‌ریزی آموزشی. مقاله ارائه‌شده در اولین اجلاس ملی علوم و برنامه‌ریزی آموزشی و استانداردسازی. صالحی، ا. و مهر علی زاده، ی. (۱۳۸۴)، تغییرات بازار کار، توسعه، آموزش عالی و سرمایه اجتماعی، مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار.

علم بیگی، ا.، حاجی‌آقا، پ. و جلیلیان، س. (۱۳۹۷). تأثیر خلاقیت سازمانی در خلاقیت فردی مروجان کشاورزی استان اصفهان با میانجی‌گری پیوند شبکه اجتماعی. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی. شماره ۴۵. صص ۶۷-۷۶.

فولادیان، ا. (۱۳۸۸). بررسی میزان سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی. مشهد. فصلنامه فقه و تاریخ تمدن. شماره ۲۱. صص ۸۷-۱۱۲.

قدیمی، م. (۱۳۹۶). بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه قزوین. پژوهش‌نامه علوم انسانی. شماره ۵۳. صص ۳۲۵-۳۵۶.

کاظمی، ر.، یعقوبی، ج. و نعیمی، ا. (۱۳۹۷). تحلیل سرمایه اجتماعی بر روی توانمندسازی روان شناختی زنان روستایی شهرستان سلماس. فصلنامه علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران. شماره ۲. صص ۱۴۳-۱۵۹. کیومرثی، آ. و مؤمنی، س. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و شادکامی با پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان دختر دبیرستانی. مجله روانشناسی مدرسه. شماره ۵. صص ۱۱۹-۱۳۰.

گراوند، ا.، موسیوند، م. و ویسه، م. (۱۳۹۵). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با عملکرد شغلی اساتید دانشگاه پیام نور استان لرستان. فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی. شماره ۱. صص ۳۸-۶۳.

مهر علی زاده، ی.، آهنگ، و. و شاه‌ی، س. (۱۳۹۱). آسیب شناسی عوامل درونی و بیرونی نظام فنی و حرفه ای استان خوزستان. فصلنامه پژوهش در نظام آموزشی. دوره ۶. شماره ۷. صص ۱۰۶-۷۱.

نوری، ه.، هاشمی، ص.، محمودی، س. و طباطبایی، ح. (۱۳۹۴). اثرات سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار کشاورزی در روستاهای دهستان آباده طشت. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی. شماره ۳. صص ۳۷-۵۳. ویسه، م. و نصر الهی وسطی، س. (۱۳۹۴). تأثیر سرمایه اجتماعی بر ایجاد خلاقیت در دانشجویان.

فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی. شماره ۳. صص ۱۲۱-۱۴۵.

Anderson, A.R. and Miller, C.J. (2003). "Class matters": Human and social capital in the entrepreneurial process. The Journal of Socio-economics, 32(1), 17-36.

Bottoms, G. (2006). Using Industry-recognized Skill Standard Assessment for Improving

Carrier, technical education, available from gene Bottoms strd. org.

Beugelsdijk, S. and Schaik, T. V. (2005). "Social Capital and Growth in European Regions: an Empirical Test". *European Journal of Political Economy*, 21, 301-324.

Chang, S. C., Tu, C. J., Li, T. J. and Tsai, B. K. (2010). "Social capital, cooperative performance, and future cooperation intention among recreational farm area owners in Taiwan", *Social Behavior and Personality*, 38 (10), 1409-1430.

Cvetanovic, S., Despotovic, D. and Filipovic, M. (2015). "The Concept of Social Capital in Economic Theory," *Ekonomika, Journal for Economic Theory and Practice and Social Issues*, 61(1), 73-84.

Delic, Z., Saric, H. and Osmanovic, N. (2017). Significance of Social Capital in Socio-Explaining Regional Shirking Differentials in a Large Italian Firm". *Quarterly Journal of Economics*, 115, 1057-1090.

Gleave, E., Robbins, B. and Kolko, B. (2011). Trust in Uzbekistan. *International Political Science Review*, 33(2), 39-57.

Hall, R. and Jones, C. (1999). "Why Do Some Countries Produce So Much More Output Per Worker Than Others? Quarterly Journal of Economics, 114(1), 83-116.

Hayami, Y. (2009). "Social Capital, Human Capital and the Community Mechanism: Toward a Conceptual Framework for Economists". *Journal of Development Studies*, 45 (1), 96-123.

Helliwell, J.F. and Putnam, R.D. (2007). Education and Social Capital. *Eastern Economic Journal*, 33(1), 1-19.

Inchino, A. and Maggie, G. (2000). "Work Environment and Individual Background:

Iwase, T., Suzuki, E., Fujiwara, T., Takao, S., Doi, H. and Kawachi, I. (2012). "Do bonding and bridging social capital have differential effects on self-rated health? A community based study in Japan". *J. Epidemiology Community Health*, 66 (6), 557-562.

Lawshe CH. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personnel Psychology*, 28, pp 563-575.

-Liao, J. and Welsch, H. (2005). Roles of social capital in venture creation: Key dimensions and research implications. *Journal of Small Business Management*, 43(4), 345-362.

Lytard, F. (1984). *The postmodern condition: A report on knowledge*, University of Minnesota Press.

Nery, F. and Ville, S. (2008). Social Capital Renewal and the Academic Performance of International Students in Australia. *Journal of Socio-Economics*, 37(4), 1-47.

Oxoby, R. (2009). "Understanding social inclusion, social cohesion, and social capital". *International Journal of Social Economics*, 36 (12), pp. 1133-1152.

Poortinga, W. (2012). "Community resilience and health: the role of bonding, bridging, and linking aspects of social capital". *Health & Place*, 18 (2), 286-295.

- Price, D. (2009). "Job Active Group Grow on Base the Curriculum of Vocational and technical Education and adapt With Development", journal of education and training, vol.41: 79-97.
- Putnam, R.D. (1993) Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy. Princeton: Princeton University Press.
- Raschke, R. and David, J.S. (2005). Business process agility. In: Proceedings of the 11th Americas Conference on Information Systems, Omaha, NE, USA, August, pp. 355°360.
- Streubert, H. J. and Carpenter, D. R. (1999). Qualitative research in nursing: Advancing the humanistic imperative (2nd ed.). Philadelphia: Lippincott. Williams & Wilkins.
- Scholte, J.A. (2017). Globalization: A Critical Introduction, Publisher: Red Globe Press, Pages: 400.
- UNESCO (2014). Sustainable Development Begins with Education: How Education Can Contribute to the Proposed Post- 2015.
- Verhaeghe, p.P.Pattyn, E. Bracke, p. Verhaeghe, M. and Van de Putte, B. (2012). "The association between network social capital and self-rated health: pouring old wine in new bottles?", Health & Place, 18 (2), 358-368.
- Williams, D. (2006). "Groups and Goblins: The Social and Civic Impact of an Online Game". Journal of Broadcasting & Electronic Media, 50(4), 651-670.
- Woolcock .M. (2010). Social capital and economic development: Toward a theoretical synthesis and policy framework. Theory and Society volume 27, 151–208.
- Wossena, T., Bergera, T. and Di Falcoc, S. (2015), "Social capital, risk preference and adoption of improved farm land management practices in Ethiopia", Agricultural Economics, 46, 81-97.

Social Capital Improvement Model in Mazandaran Agricultural Skills Training Centers

Ali Asadollahpour¹, Seyyed Abdollah Khavari²

1-Assistant Professor of Education, Mazandaran Agricultural and Natural
Resources Research and Education Center,

Agricultural research Education and Extension organization, Sari, Iran

2-Phd in Higher Education administration, Technical and Vocational Training Organization

Abstract

The Social capital is informal social relations that lead to the development of cooperation among human resources and its improvement in agricultural skills training centers improves the performance of individuals, groups and institutions in these centers to communicate with the labor market and the prosperity of production and the creation of civil society. The purpose of this study was to present a model of social capital improvement in agricultural skills training centers. The research methodology was qualitative and the Grounded Theory and purposive sampling method was used. The statistical population included members of the faculty of different departments of agricultural colleges in Mazandaran province that had educational and research experiences in the field of skills training as well as social capital and had a cooperative background especially with the Jihad of Agriculture and training and research centers. The data collection process continued until the theoretical saturation and useful threshold were reached. Accordingly, 22 faculty members in the groups of education and extension (8 people), agricultural economics (4 people), rural development (4 people) and agricultural management (6 people) were interviewed as a sample. Max QDA10 Software and the Struss and Corbin coding strategy (open coding, axial and selective coding) were used for data analyzing. CVR (Content Validity Ratio) and CVI (Content Validity Index) were used to determining the degree of agreement and validity of each index from the experts' point of view. The results showed that the calculated value for both was 0.8 Based on the research findings, a model was designed that included causal, contextual, interventioner, phenomenon, strategies and outcomes. To validate of the model, a questionnaire based on the 9 scale was designed and provided to the experts participating in the research process. As a result, the proposed model was desirable.

Index Terms: Skills Training, Social Capital, Skill Training Centers, Model, Grounded Theory

Corresponding Author: A. Asadollahpour

Email: a_kotena@yahoo.com

Received: 30/12/2019 **Accepted:** 22/06/2020